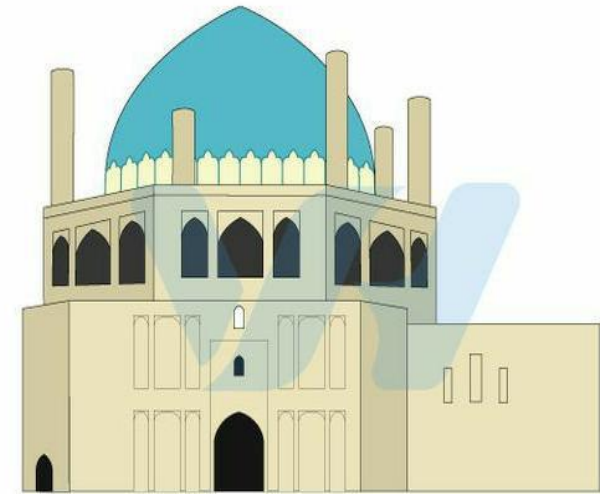
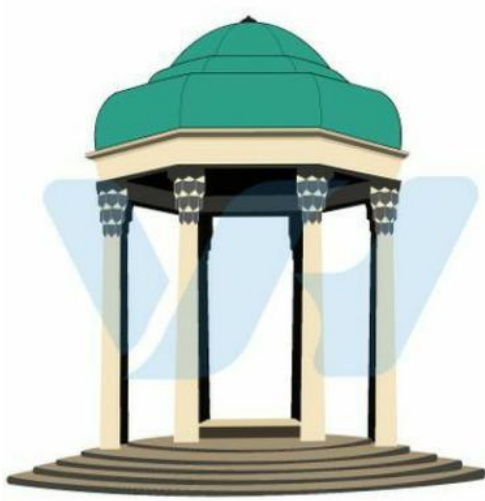


به نام خداوند جان و خرد

ای ایران



بخوان و حفظ کن

ای ایران



ای ایران، ای مرز پر گهر

ای خاكت سرچشمه‌ی هنر

دور از تو اندیشه‌ی بدان

پاینده مانی و جاودان

ای دشمن، ار تو سنگ خاره‌ای، من آهنم

جان من فدای خاکِ پاکِ میهنم

مهر تو چون، شد پیشه‌ام

دور از تو نیست، اندیشه‌ام

در راه تو، کی ارزشی دارد این جان ما؟

پاینده باد، خاک ایران ما

سنگِ کوهت دُرّ و گوهر است

خاکِ دشتت بهتر از زر است

مهرت از دل، کی برون کنم؟

برگو، بی مهر تو چون کنم؟

تا گردش زمین و دور آسمان بپاست

نور ایزدی همیشه رهنمای ماست

مهر تو چون شد پیشه ام

دور از تو نیست اندیشه ام

در راه تو، کی ارزشی دارد این جان

پاینده باد خاک ایران ما

ایران، ای خرم بهشت من

روشن از تو سرنوشت من

گر آتش بارد به پیکرم

جز مهرت در دل نپرورم

از آب و خاک و مهر تو سرشته شد کلم

مهر اگر برون رود گلی شود دلم

مهر تو چون شد پیشه ام

دور از تو نیست اندیشه ام

در راه تو، کی ارزشی دارد این جان ما؟

پاینده باد خاک ایران ما



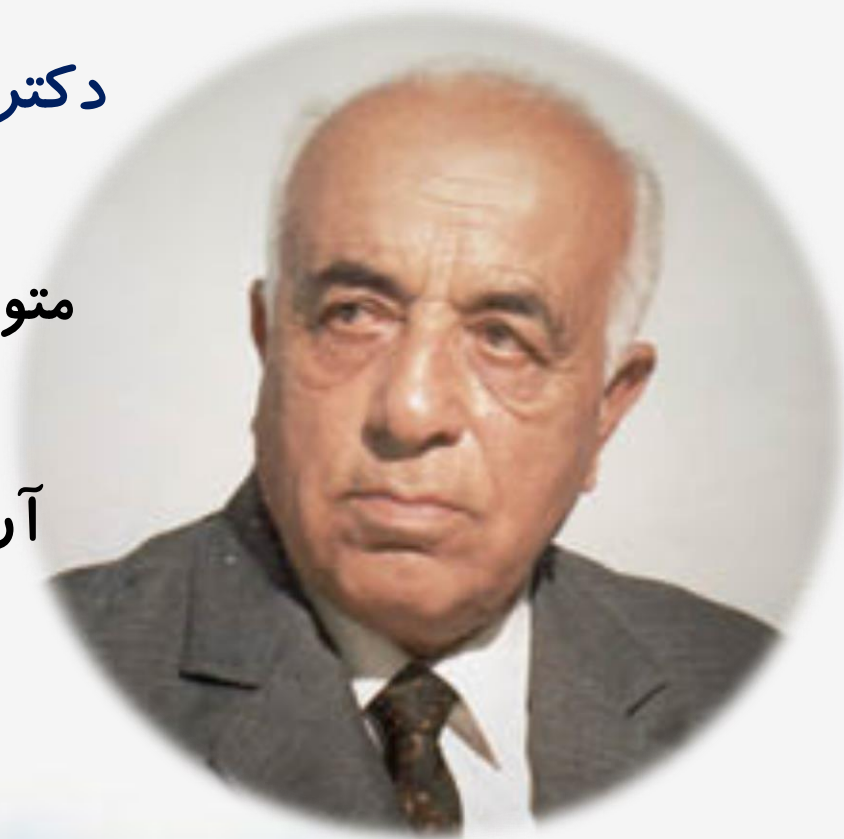
حسین گل گلاب

دکتر حسین گل گلاب در سال ۱۲۷۴ در تهران

متولد شد. گل گلاب از گیاه شناسان معروف

آن دوره بود. او شعر ای ایران را در سال

۱۳۲۳ سرود.



معنى و مفهوم شعر



ای ایران، ای مرز پر گُهر

ای خاکت سرچشمه‌ی هنر

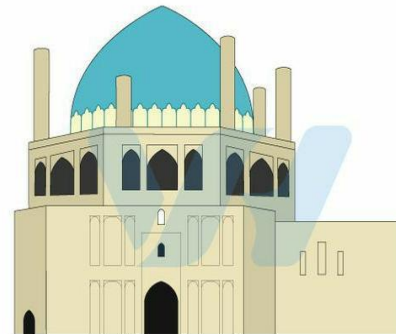
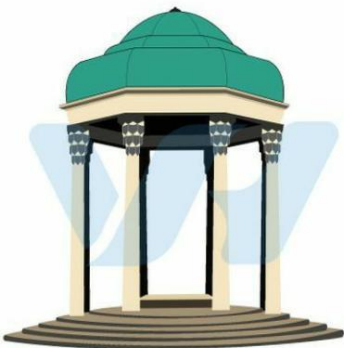
ای ایران، ای سرزمین با ارزش و پر از ثروت. ای کشوری که خاکت منشأ (محل پیدایش) هنر است.

دور از تو اندیشه‌ی بدان

پاینده مانی و جاودان

اندیشه و فکر دشمنان از تو دور باد و همیشه پایدار و جاودان باقی بمانی.

ای دشمن، ار تو سنگ خاره‌ای، من آهنم
جان من فدای خاکِ پاک میهنم
ای دشمن، اگر تو مثل سنگ خاره، محکم و سخت هستی، من هم مثل آهن،
محکم هستم. جان من فدای خاک پاک و باارزش میهنم باد.



مهر تو چون، شد پیشه‌ام

دور از تو نیست، اندیشه‌ام

وقتی که مهر و محبت به تو، کار و شغل من شد، فکر و اندیشه‌ی من از تو دور و جدا نیست. (من همیشه به تو فکر می‌کنم.)

در راه تو، کی ارزشی دارد این جان ما؟

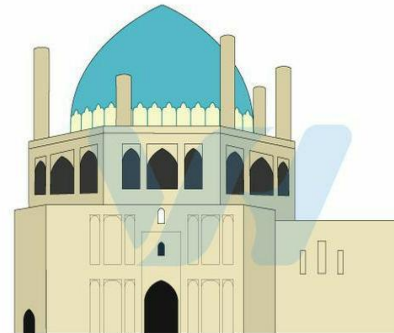
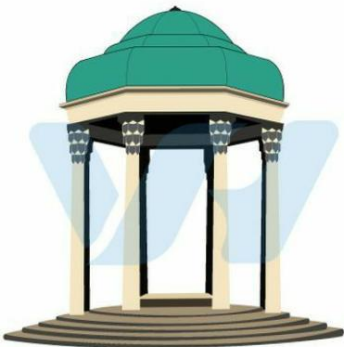
پاینده باد، خاک ایران ما

ای ایران، این جان ما در راه تو و برای تو ارزشی ندارد، امیدوارم این خاک ایران ما همیشه پاینده و استوار و جاودان باشد. (بماند.)

سنگ کوهت درّ و گوهر است

خاک دشتت بهتر از زر است

سنگ کوه‌های تو مانند مروارید و گوهر، بارزش است و خاک دشتهایت از طلا بهتر و بارزش‌تر است.



مهت از دل، کی برون کنم؟

برگو، بی مهر تو چون کنم؟

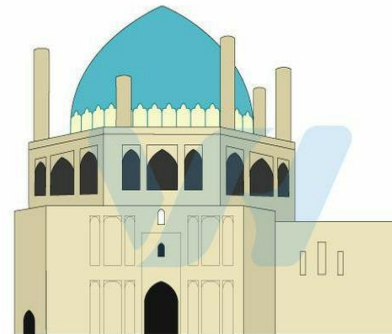
هیچ گاه نمی توانم مهر و محبت تو را از دل بیرون کنم. بگو، بدون مهر و محبت تو چگونه روزگار بگذرانم؟

تا گردش جهان و دور آسمان پیاست نور ایزدی همیشه رهنمای ماست
تا زمانی که دنیا وجود دارد و گردش زمانه پایدار است (تا ابد) نور و الطاف
خدایی همیشه راهنما و هدایت کننده ی ماست.

ایران، ای خرم بهشت من

روشن تر از تو سرنوشت من

ای ایران، ای بهشت سرسبز و خرم من، سرنوشت و تقدیر من بخاطر وجودت
روشن تر و درخشان است.

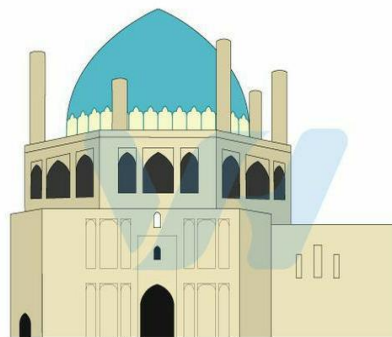
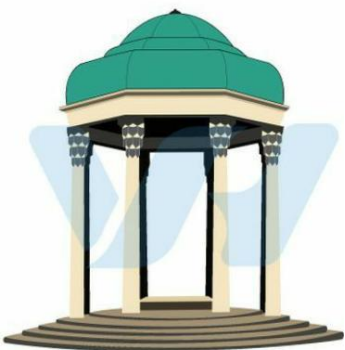


جز مهـرت در دل نپـرورم

گر آتـش بارـد به پیکـرم

اگر در سخت‌ترین شرایط باشم و آتش مثل باران بر بدنم بیارد به جز مهر و محبت
تو هیچ چیزی در دلم پرورش نمی‌دهم.

از آب و خاک و مهر تو سرشته شد گلم مهر اگر برون رود گلی شود دلم
وجود من (گلم) با آب و خاک و مهر و محبت تو آمیخته شد. اگر مهر و محبت تو از
وجودم بیرون برود چه می‌شود؟ (اگر مهر و محبت و عشق تو از درونم بیرون رود،
از بین خواهم رفت.)



واژگان درس



پیکر: جسم

نیرورم: پرورش ندهم

سررشته: آمیخته

ار: مخفف اگر

گهر: مخفف گوهر، مروارید، سنگ

های با ارزش

مرز: خط فرضی بین دو کشور

بدان: جمع بد

پیشه: کار، شغل، حرفه

مهر: محبت

پاینده: جاودان

در: مروارید

برگو: بگو

نور ایزدی: پرتو و نور خدایی

رهنما: راهنما



هم خانواده :

هنر : هنرمند ، هنرمندانه ، باهنر

گرداننده : گردان

پاینده : پایدار ، پایندگان



پایان

